



## The Approach of Criminal Law Systems to the Corona Phenomenon as Bioterrorism

Mahmoud Ebrahimi<sup>1</sup>, Mohammad Ali Taheri Bojd<sup>1\*</sup>, Ali Chahkandinejad<sup>1</sup>

1. Department of Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

### ABSTRACT

**Background and Aim:** In recent years, the widespread spread of the corona virus has had many legal, economic and cultural effects. As for these effects and the emergence of legal challenges arising from this, the current study entitled The approach of criminal law systems to the corona phenomenon as bioterrorism, based on library studies using a descriptive-analytical method and a comparative look at the possibility Measuring the prosecution and punishment of perpetrators of the spread or transmission of the corona virus from the perspective of the penal system of Iran and several other countries, as well as the international penal system.

**Method:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Results:** The findings of this study indicate that the corona virus has the potential to be used as a biological agent and as a tool to commit international crimes .In this case, from the perspective of the international criminal justice system, it will be possible to prosecute and punish the perpetrator in accordance with the provisions of the Statute of the International Criminal Court.

**Conclusion:** In some criminal systems, according to the law, the intentional spread and transmission of the corona virus can be an example of bioterrorism. However, in the Iranian criminal system, according to Article 286 of the Islamic Penal Code (1392), only the issuance of a corona (and not a transfer), on a large scale and with a specific Sunni, can be an example of bioterrorism .This legislative approach in the Iranian judicial system has limited the prosecution and punishment of perpetrators of the spread and transmission of deadly infectious viruses; therefore, at present, these persons can be prosecuted and punished mainly in the form of crimes against persons (according to the case of premeditated murder, unintentional murder and causing unintentional bodily harm).

**Keywords:** Corona; Bioterrorism; International Crime; Crimes Against Persons; Transfer; Dissemination; Jurisprudence

**Corresponding Author:** Mohammad Ali Taheri Bojd; **Email:** mataheri34@gmail.com

**Received:** May 23, 2022; **Accepted:** August 01, 2022; **Published Online:** September 27, 2022

### Please cite this article as:

Ebrahimi M, Taheri Bojd MA, Chahkandinejad A. The Approach of Criminal Law Systems to the Corona Phenomenon as Bioterrorism. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e50.

## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

## رویکرد نظام‌های حقوق کیفری به پدیده کرونا به عنوان بیوتروریسم

محمود ابراهیمی<sup>۱</sup>، محمدعلی طاهری بجد<sup>۱\*</sup>، علی چکهندی نژاد<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** در سال‌های اخیر، شیوع گسترده ویروس کرونا آثار حقوقی، اقتصادی و فرهنگی فراوانی را به همراه داشته است. با توجه به این آثار و پیدایش چالش‌های حقوقی ناشی از آن، پژوهش کنونی با عنوان رویکرد نظام‌های حقوق کیفری به پدیده کرونا به عنوان بیوتروریسم، به بررسی و امکان‌سنجی تعقیب و مجازات عاملان انتشار یا انتقال ویروس کرونا از منظر نظام‌های کیفری داخلی و بین‌المللی پرداخته است.

**روش:** مقاله کنونی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با نگاهی تطبیقی به بررسی رویکرد نظام‌های حقوق کیفری ایران و برخی کشورهای دیگر به پدیده کرونا به عنوان بیوتروریسم پرداخته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل تدوین و نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری نیز رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش دلالت بر آن دارد ویروس کرونا قابلیت آن را دارد که به عنوان عامل بیولوژیکی مورد استفاده قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ارتکاب جنایات بین‌المللی استفاده شود. در این صورت از منظر نظام کیفری بین‌المللی، امکان تعقیب و مجازات مرتکب بر اساس شرایط مقرر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸ م.) وجود خواهد داشت. با این حال در صورت فقدان شرایط لازم برای تعقیب بین‌المللی مرتکب، باید به نظام‌های کیفری داخلی توسل جست.

**نتیجه‌گیری:** در برخی نظام‌های کیفری بر اساس قوانین، انتشار و انتقال عمدی ویروس کرونا می‌تواند مصداق بیوتروریسم باشد. با این حال در نظام کیفری ایران به موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش.)، تنها انتشار کرونا (و نه انتقال)، آن هم در سطح گسترده و با سوءنیت خاص، می‌تواند مصداق بیوتروریسم باشد. این رویکرد قانونگذار، در نظام قضایی ایران، تعقیب و مجازات عاملان انتشار و انتقال ویروس‌های واگیردار کننده را با محدودیت‌هایی مواجه نموده است؛ به همین جهت، در حال حاضر این اشخاص، عمدتاً در قالب جرائم علیه اشخاص (حسب مورد قتل عمد، غیر عمد و ایراد صدمه بدنی غیر عمدی)، قابل تعقیب و مجازات هستند.

**واژگان کلیدی:** کرونا؛ بیوتروریسم؛ جنایت بین‌المللی؛ جنایت علیه اشخاص؛ انتقال؛ انتشار؛ رویه قضایی

نویسنده مسئول: محمدعلی طاهری بجد؛ پست الکترونیک: mataheri34@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Ebrahimi M, Taheri Bojd MA, Chahkandinejad A. The Approach of Criminal Law Systems to the Corona Phenomenon as Bioterrorism. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e50.

## مقدمه

در سال‌های اخیر، شیوع ویروس کرونا و تعداد مبتلایان و کشته‌شدگان ناشی از آن، اذهان عمومی را در همه کشورها مشغول کرده است. از همان ابتدای شیوع آن در کشور چین تا به امروز، نظرات مختلفی درباره بیولوژیکی بودن این ویروس و ایجاد و انتشار عمدی آن مطرح و موجب طرح مسائل حقوقی متعددی در ارتباط با آن شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل حقوقی در زمینه کرونا را می‌توان نحوه پاسخ نظام‌های حقوق کیفری به عاملان انتشار یا انتقال این ویروس دانست.

با توجه به اینکه از یکسو، انتشار این ویروس در ایران همانند بسیاری از کشورها موجب بروز فجایع انسانی فراوانی شده است و آثار نامطلوب متعددی بر نظام اقتصادی، سیاسی و حقوقی کشور داشته است و از دیگرسو، در نظام قضایی ایران در برخی آرای صادره، مسأله کرونا به عنوان موضوع مرتبط با امنیت ملی دانسته شده است (رأی شماره ۱۴۰۰/۵/۹ هیأت تخصصی صنایع و بازرگانی دیوان عدالت اداری)، بررسی ابعاد کیفری موضوع از جهت امکان‌سنجی تعقیب و مجازات عاملان انتشار یا انتقال این ویروس، ضروری به نظر می‌رسد.

بر مبنای همین ضرورت، مقاله کنونی به دنبال پاسخ به این سؤال است که نظام حقوق کیفری ایران (اعم از قوانین کیفری و رویه قضایی) نسبت به تعقیب کیفری و مجازات عاملان انتقال و انتشار ویروس کرونا در هر یک از فروض بیوتروریستی یا غیر بیوتروریستی بودن آن، چه رویکردی دارد؟ آیا با فرض نارسایی نظام‌های حقوق کیفری داخلی، بر اساس قواعد حقوق کیفری بین‌المللی، از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، امکان تعقیب و مجازات عاملان انتشار یا انتقال آن وجود دارد؟ با امعان نظر به سؤالات فوق، پژوهش کنونی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و با نگاه تطبیقی به بررسی پدیده کرونا از منظر نظام حقوق کیفری ایران و نظام حقوق کیفری بین‌المللی می‌پردازد. در این راستا در بخش نخست مقاله در مورد مفهوم بیوتروریسم و مبنای نظری تلقی کرونا به عنوان بیوتروریسم، توضیح داده

می‌شود. پس از آن در بخش دوم، مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا در نظام کیفری بین‌المللی و نظام کیفری ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## روش

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری کتب، مقالات و بهره‌گیری از سایت‌های اینترنتی مراجع رسمی داخلی و خارجی و نیز رویه قضایی ایران و برخی دیگر از کشورها نگارش یافته است.

## یافته‌ها

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که ویروس کرونا قابلیت آن را دارد به عنوان عامل بیولوژیکی مورد استفاده قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ارتکاب جنایات بین‌المللی استفاده شود. در این صورت از منظر نظام کیفری بین‌المللی، امکان تعقیب و مجازات مرتکب بر اساس شرایط مقرر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸ م.) وجود خواهد داشت. با این حال در صورت فقدان شرایط لازم برای تعقیب بین‌المللی مرتکب، باید به نظام‌های کیفری داخلی توسل جست.

## بحث

۱. مفهوم بیوتروریسم و مبنای نظری تلقی کرونا به عنوان بیوتروریسم: با توجه به آنکه برای امکان انتساب پدیده کرونا به عنوان بیوتروریسم در درجه نخست لازم است مفهوم بیوتروریسم روشن شود، در این بخش، ابتدا مفهوم بیوتروریسم و روش‌های ارتکاب آن توضیح داده می‌شود و به دنبال آن، مبنای نظری تلقی پدیده کرونا به عنوان یک پدیده بیوتروریستی شرح داده خواهد شد.

۱-۱. مفهوم بیوتروریسم: از بیوتروریسم (Bioterrorism) به عنوان یکی از مصادیق تروریسم، تعاریف مختلفی ارائه شده است. وجه مشترک بیشتر تعریف‌های بیان شده، استفاده از میکروارگانیسم‌ها یا عوامل بیولوژیک و ایجاد هراس است (۱)،

به طوری که گفته شده است: بیوتروریسم، رهاسازی عمدی (Intentional Release) ویروس‌ها، باکتری‌ها و سموم برای ایجاد بیماری‌های مشخص که یک جمعیت را برای دستیابی به اهداف مورد نظر تروریست‌ها با قصد ایجاد ترس برای جامعه، هدف قرار می‌دهد، می‌باشد (۲). در تعریف دیگر گفته شده است: «بیوتروریسم» عبارتست از «استفاده یا تهدید به استفاده از عوامل بیولوژیکی به وسیله شخص یا گروه با انگیزه سیاسی، مذهبی، اکولوژیکی یا سایر اهداف ایدئولوژیک» (۳). همچنین پلیس بین‌الملل در تعریف بیوتروریسم بیان داشته است: «بیوتروریسم، منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب‌رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی است» (۴).

بر اساس تعاریف موجود می‌توان گفت: بیوتروریسم مستلزم انتشار عمدی سموم یا عوامل بیولوژیک است. از این رو حوادث بیولوژیکی و سایر حوادث ناخواسته، اما به همان اندازه مضر را شامل نمی‌شود. در تعاریف، سلاح‌هایی که باید برای حمله استفاده شوند، بیوتروریسم تلقی می‌شوند. این عناصر می‌توانند ویروس، باکتری، قارچ، سموم، میکروب‌ها یا سایر عوامل بیولوژیکی مضر باشند؛ نتیجه اقدام، ایجاد بیماری و مرگ بر روی انسان، حیوانات یا گیاهان باشد (۵).

همانطور که تعاریف ارائه شده از بیوتروریسم و ویژگی‌های تبیین شده در مورد آن، نشان می‌دهد، «ویروس‌ها» هم می‌توانند به عنوان ابزارهای بیولوژیکی مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین ویروس کرونا نیز قابلیت استفاده به عنوان عامل بیولوژیکی را خواهد داشت.

پدیده بیوتروریسم به عنوان انتشار عمدی مواد بیولوژیک می‌تواند با روش‌های متعددی ارتکاب یابد که عبارتند از: ۱- از طریق هوا؛ در این روش، نوع ارگانیسم معمولاً باکتری، ویروس و توکسن است. روش‌های انتشار آن ممکن است از طریق دستگاه اسپری‌کننده، غبارسازها، سیستم تهویه هوا و دودسازها باشد (۶). از نظر برخی از نویسندگان، مؤثرترین

روش انتشار عوامل بیولوژیکی، از طریق هوایی است، چراکه انتشار گسترده عوامل عفونی و حتی سموم را می‌توان با این روش به دست آورد؛ ۲- از طریق آب شرب و مواد غذایی: در این مورد، روش‌های انتشار ممکن است از طریق آلودگی منابع آب، مواد غذایی و نوشیدنی در فرایند تولید، ذخیره و توزیع، افزودن سموم بیولوژیک در کشتارگاه‌های صنعتی، آلودگی محصولات کشاورزی باشد (۶)؛ ۳- از طریق افراد: یکی دیگر از روش‌ها انتشار از انسان به انسان‌های دیگر است. در میان سلاح‌های زیستی معمولاً عواملی که از طریق تنفس انتقال می‌یابند برای تروریست‌ها ایده‌آل تر هستند، زیرا از این طریق می‌توانند عامه جمعیت یک شهر یا منطقه را آلوده نمایند. به همین جهت در میان اقدامات تروریستی، بیشترین نگرانی جامعه جهانی از حملاتی است که ناقل بیماری‌های مسری هستند؛ ۴- از طریق ناقلین، یعنی توسط حشرات و پرندگان با گزیدن: برخی از بیماری‌ها به طور طبیعی توسط حشرات منتقل می‌شوند. به عنوان مثال، طاعون به وسیله گونه‌های خاصی از کک، انتقال می‌یابد. انتشار بیماری توسط حشرات، یک منبع بیماری دایمی و غیر قابل مهار در منطقه‌ای که حشرات آزاد شده‌اند را به وجود می‌آورد (۷).

بررسی‌های به عمل آمده توسط محققان از زمان انتشار کووید-۱۹ تا به امروز نشان می‌دهد: ویروس کرونا به شیوه‌های مختلف (عمدتاً سه روش نخست از روش‌های فوق) می‌تواند انتشار (Spread) یا انتقال (Transfer) یابد. این ویروس می‌تواند از طریق قطرات پخش شود، مستقیماً از طریق عطسه یا سرفه یا به طور غیر مستقیم با چسبیدن به غباری که در هوا شناور است، از طریق استنشاق، وارد بدن افراد دیگر شود (۸). همچنین قابلیت انتقال یا انتشار آن از طریق مواد غذایی و یا از انسان به انسان دیگر، به اثبات رسیده است (۹).

فرآیند تأثیر این ویروس بدین صورت است که پس از ورود به بدن انسان، عمدتاً موجب ذات‌الریه شدید، متفاوت از ذات‌الریه سنتی می‌شود و در بسیاری موارد، مرگ شخص مبتلا را به دنبال دارد، یعنی ویروس در ابتدا بافت‌هایی که عروق خونی از آن‌ها عبور می‌کنند را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در نتیجه به

در مقابل، بیشتر نویسندگان، معتقد به مهندسی‌شده بودن پدیده کرونا به دست بشر که به صورت اتفاقی یا عمدی از یکی از آزمایشگاه تحقیقاتی در شهر ووهان چین به بیرون نشت کرده است، می‌باشند. در واقع ناشناخته بودن منشأ حیوانی ویروس کرونا و عدم اطمینان از مسیر انتقال ویروس از حیوان به انسان موجب شکل‌گیری نظریه مهندسی شده و بیوتروریستی بودن این ویروس گردیده است. طرفداران این نظر ادعا می‌کنند این ویروس در این آزمایشگاه که کرونا ویروس‌های حیوانی را برای تولید سلاح بیولوژیکی تهاجمی مورد مطالعه قرار می‌دهد، عمداً مهندسی شده است (۱۲).

برخی دیگر از نویسندگان موافق با نظر فوق، انتشار این ویروس را یک جنگ بیولوژیک (Biological Warfare) می‌دانند که بنا به دلایل اقتصادی توسط برخی دولت‌ها ایجاد شده است، از جمله آنکه دولت‌ها با تولید این سلاح بیولوژیکی و داروی آن، پس از انتشار عمدی آن، مبادرت به فروش شیوه‌های درمان یا داروی آن نموده‌اند و یا آن‌ها با انتشار این ویروس، به دنبال فلج کردن برخی از بنگاه‌های اقتصادی خارجی بوده‌اند. از نظر این گروه، در واقع، کووید-۱۹ یک پرونده قتل بین‌المللی است که میلیون‌ها نفر را به یغما برده است و هدف آن غارت تریلیون‌ها دلار سرمایه جهانی بوده است. هیچ کس نباید آن را به عنوان آنفولانزای کشنده‌ای که از خفاش‌ها یا غیره منتقل می‌شود، اشتباه بگیرد، تولید و انتشار این ویروس یک جنگ بیولوژیکی است که با اهداف اقتصادی توسط برخی دولت‌های قدرتمند جهت تضعیف رقبای اقتصادی خود، صورت گرفته است (۱۳).

واقعیت امر آن است که علاوه بر استدلال‌های فوق، نوع شیوع و گسترش ویرس کرونا، سرعت انتقال آن، قابلیت جهش یافتن و میزان مرگ و میر ناشی از آن، احتمال بیولوژیکی بودن آن را به شدت تقویت می‌نماید (۵)، حتی یک مطالعه انجام شده توسط مرکز تحقیقات و مطالعات حقوق سلامت در دانشگاه سائوپائولو، شواهدی دال بر یک برنامه عمدی برای انتشار ویروس کرونا از سوی برخی دولت‌ها ارائه داده است (۱۴). علاوه بر این، ایده بیولوژیکی بودن ویروس کرونا زمانی تقویت می‌شود که بدانیم برخی دولت‌های قدرتمند پیش از این از

دلیل این بازبودن و خونریزی، روند دم و بازدم دشوارتر می‌شود، به طوری که بدن بیمار دیگر قادر به دریافت اکسیژن به خصوص برای اندام‌هایی مانند مغز، ماهیچه‌ها، قلب و ریه‌ها نخواهد بود، در این صورت، بیمار به دستگاه‌های تنفس مصنوعی نیاز دارد که بدون آن‌ها ممکن است، مرگ رخ دهد (۹). بنابراین با توجه به شیوه‌های انتقال و قابلیت کشندگی آن، این ویروس در میان انواع ویروس‌ها می‌تواند ابزار مناسبی برای استفاده‌های بیولوژیکی باشد.

**۱-۲. مبانی نظری پدیده کرونا به عنوان بیوتروریسم:** از زمان انتشار ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ تاکنون نظرات مختلفی در مورد منشأ آن مطرح شده است. با وجود تلاش کشورها و سازمان‌های علمی در مورد بررسی منشأ ایجاد این پاندمی، هنوز نتیجه قطعی در این خصوص به دست نیامده و یا آنکه حداقل چنین نتیجه‌ای تاکنون از سوی مراجع رسمی بین‌المللی یا داخلی، منتشر نشده است. با این حال از آن زمان تاکنون دو نظر غالب در این خصوص وجود دارد؛ برخی، منشأ آن را طبیعی و عده‌ای دیگر، منشأ این ویروس را انسانی دانسته‌اند.

گروه نخست از نویسندگان، معتقد به انتقال طبیعی ویروس کرونا از طریق حیوانات به انسان (در شهر ووهان چین) هستند. با استفاده از تعیین توالی ژنتیکی، برخی اپیدمیولوژیست‌ها بیان می‌دارند که ویروس از نوعی خفاش به طور طبیعی به انسان منتقل شده است و احتمالاً افرادی که حیوانات آلوده را در بازاری در ووهان چین حمل می‌کرده‌اند، در انتقال این ویروس، مؤثر بوده‌اند (۱۰).

با این حال، با وجود چنین ادعایی، منبع دقیق حیوانی ویروس کرونا همچنان از نگاه دانشمندان دور مانده است و به دلیل وجود این حلقه گمشده، سازمان بهداشت جهانی، پیشنهاد داده است تا یک همکاری مشترک علمی برای شناسایی منبع مشترک انسان و ویروس و معرفی مسیر انتقال ویروس به جمعیت انسانی صورت گیرد تا بتوان راهکاری جهت مقابله با این ویروس اتخاذ کرد (۱۱).

آن را دارد که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا داخلی به عنوان عامل بیولوژیک به کار گرفته شود، اگرچه استفاده بیوتروویستی از ویروس کرونا در مخاصمات مسلحانه واقع شده در سال‌های اخیر اثبات نشده است، اما برخی از نویسندگان، عدم اقدام عمدی (ترک فعل) دولت‌ها در جلوگیری از انتشار و انتقال ویروس کرونا در مناطق جنگی را مصداق جنایت جنگی دانسته‌اند. به عنوان مثال، در زمان همه‌گیری جهانی کووید-۱۹، دولت سوریه و متحدانش، گروه‌های مخالف این دولت را از طریق محدودیت‌های تبعیض‌آمیز مجازات کرده و آنان را از مراقبت‌های بهداشتی و کمک‌های پزشکی محروم کرده‌اند، به طوری که این اقدام موجب گسترش انتشار ویروس در مناطق تحت تسلط یا سکونت آنان شده است. بر این اساس، آن‌ها مرتکب جنایت جنگی شده و مسئولیت کیفری فردی مقامات دولتی و رهبران نظامی سوریه، محقق است (۱۶).

در خصوص جنایت بین‌المللی دیگر، یعنی نسل‌کشی (Genocide) باید گفت: اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (در ماده ۶)، اعمالی چون: ۱- قتل اعضای یک گروه؛ ۲- ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه؛ ۳- قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت‌های نامناسب موجب زوال قوای جسمی کلی یا جزیی که به قصد نابودکردن تمام یا قسمتی از آن گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی باشد را مصداق، نسل‌کشی دانسته است.

بنابراین چنانچه شخص حقیقی یا حقوقی با هدف و انگیزه خاصی نسبت به انتشار یا انتقال یک ویروس کشنده (همچون ویروس کرونا) به شخص یا اشخاص دیگر اقدام نماید و اقدام وی مصداق یکی از رفتارهای مادی سه‌گانه مندرج در بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۶ اساسنامه دیوان باشد، عمل وی می‌تواند مصداق جنایت نسل‌کشی به شمار آید.

در عمل نیز تاکنون نمونه‌هایی از بهره‌گیری دولت‌ها از ویروس با هدف نسل‌کشی، مشاهده شده است. به عنوان مثال، Shuzan Basel یکی از محققان آمریکایی در مقاله‌ای بیان داشت: دولت اسرائیل در دهه پیشین میلادی، اقدام به انتشار ویروس سارس جدیدی در عربستان کرده است که هدف آن

برخی ویروس‌های واگیردار کشنده مانند HIV و سارس به عنوان سلاح بیولوژیکی استفاده نموده‌اند (۱۳). بنابراین استفاده از ویروس کرونا به عنوان عامل بیولوژیکی از سوی برخی دولت‌ها مسأله‌ای دور از انتظار نیست.

**۲. مسئولیت کیفری ناشی از انتشار و انتقال ویروس کرونا:** با فرض آنکه ویروس کرونا دارای منشأ بیولوژیکی باشد، این مسأله مطرح می‌شود که در نظام کیفری بین‌المللی و نظام حقوقی داخلی چه ضمانت اجراهای کیفری برای برخورد با عاملان انتشار یا انتقال آن وجود دارد؟ به منظور بررسی این موضوع در این بخش، به ترتیب در مورد مسئولیت کیفری ناشی از انتشار و انتقال ویروس کرونا از منظر نظام کیفری بین‌المللی و نظام کیفری ایران توضیح داده می‌شود.

**۱-۲. نظام کیفری بین‌المللی:** پیدایش مسئولیت کیفری در نظام کیفری بین‌المللی، مستلزم آن است که رفتار ارتكابی مصداق جنایت جنگی، نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت باشد. با توجه به این موضوع این سؤال مطرح می‌شود که آیا انتشار یا انتقال عمدی ویروس کرونا را می‌توان مصداقی از جنایات فوق دانست؟

در راستای پاسخ به این سؤال، انتشار و انتقال ویروس کرونا در ارتباط با هر یک از جنایات سه‌گانه فوق باید بررسی می‌گردد. در خصوص انتشار و انتقال ویروس کرونا به عنوان جنایت جنگی (War Crime) می‌توان گفت: جنایت جنگی، شامل طیف وسیع از اعمالی است که در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸ م.) مقرر شده است. برخی از این اعمال به گونه‌ای هستند که ارتكاب آن‌ها با استفاده از روش‌های بیولوژیک نیز امکان‌پذیر است. به عنوان مثال، اساسنامه، اعمال عمدی که موجب «رنج بزرگ یا صدمه جدی به بدن یا سلامتی اشخاص» می‌شود را جنایت جنگی می‌داند. بنابراین استفاده یک دولت از عوامل بیولوژیک علیه غیر نظامیان در زمان یک مخاصمه مسلحانه، مصداق جنایت جنگی است (۱۵).

با توجه به آثار ویروس کرونا (شامل رنج جسمانی شدید بعضاً توأم با مرگ) به طور قطعی می‌توان گفت: این ویروس قابلیت

به طور مشخص از بین بردن جوامع مسلمان دارای نژاد عربی، در زمان حضور دو میلیون مسلمان عرب در مناسک حج بوده است. قراین موجود دلالت بر آن دارد پس از این اقدام در عربستان و قطر افرادی در اثر ابتلای به این ویروس، جان باخته‌اند (۱۷).

در نهایت در مورد انتشار و انتقال ویروس کرونا به عنوان جنایت علیه بشریت (Crime Against Humanity) باید گفت: ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در تعریف جنایات علیه بشریت، بیان می‌دارد: هر یک از اعمال مشخص شده در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه (مانند قتل، ریشه‌کن کردن، اعمال غیر انسانی عمدی با قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامت روحی و جسمی) که در قالب حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابند. حمله گسترده و سازمان یافته به عنوان رفتاری که علیه هر جمعیت غیر نظامی در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان انجام می‌گیرد، می‌تواند به وسیله عوامل بیولوژیک نیز واقع شود.

از نظر برخی از نویسندگان، شدت حملات و تلفات در برخی اقدامات بیوترویستی به گونه‌ای است که در قالب یک اقدام گسترده و سازمان یافته شهروندان یک جامعه را هدف قرار می‌دهد، به طوری که با اوصاف جنایت علیه بشریت منطبق است (۱۵).

با توجه به اینکه ویروس کرونا نیز توانسته است در سطح جهانی موجب بروز تلفات انسانی گسترده شود، انتشار یا انتقال آن، قابلیت آن را دارد که به عنوان جنایت علیه بشریت، تحت تعقیب قرار گیرد. برخی از حقوقدانان نیز بر ارتکاب جنایت علیه بشریت از سوی دولت‌ها در زمینه انتشار و انتقال ویروس کرونا تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال، David Scheffer حقوقدان و سفیر آمریکا که یکی از مذاکره‌کنندگان اصلی در تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بوده است، در سال ۲۰۲۰، بیان داشته است: برخی از اقدامات رهبران سیاسی در طول همه‌گیری کووید-۱۹ می‌تواند به عنوان جنایت علیه بشریت در نظر گرفته شود. از نظر وی، قصور آنان در زمینه بهداشت عمومی می‌تواند تا سطح جنایت علیه بشریت افزایش

یابد، زیرا برخی از آنان عمداً نخواستند آزمایش‌های به موقع و گسترده برای تشخیص ویروس و جلوگیری از انتشار و انتقال آن انجام دهند و یا در انجام به موقع برخی اقدامات لازم برای جلوگیری از انتشار یا انتقال ویروس کرونا (مانند فاصله‌گذاری اجتماعی و یا تهیه تجهیزات محافظتی شخصی برای کارکنان بهداشتی)، مرتکب قصور ناروا شده‌اند و بدین طریق منجر به مرگ ده‌ها هزار نفر گردیده‌اند. از نظر شفر بر مبنای اساسنامه رم، این اقدام آنان، همانند آنچه در اساسنامه در مورد جنایت علیه بشریت، بیان شده است، مصداق «عمل غیر انسانی ... عمداً باعث رنج زیاد، یا آسیب جدی به بدن یا سلامت روانی یا جسمی» به شمار می‌آید (۱۴).

اگرچه انتشار و انتقال ویروس کرونا (با توجه به آنچه بیان شد)، این قابلیت را دارد که به عنوان جنایت‌های بین‌المللی سه‌گانه فوق به شمار آید، اما واقعیت آن است که حتی در فرض تحقق مسئولیت کیفری مرتکبان، تعقیب و مجازات آنان بر اساس قواعد حقوق کیفری بین‌المللی و نیز قواعد حقوق داخلی بسیاری از کشورها محدودیت‌هایی دارد. مهم‌ترین محدودیت نظام کیفری بین‌المللی آن است که دیوان، تنها صلاحیت تعقیب و رسیدگی به جنایات بین‌المللی اشخاصی را دارد که دولت متبوع آنان به عضویت دیوان درآمده باشد، حال آنکه بسیاری از دولت‌ها تاکنون به اساسنامه دیوان ملحق نشده‌اند. با وجود آنکه در فرض عدم عضویت دولت‌ها در دیوان، نظام‌های کیفری کشورها می‌توانند با جرم‌انگاری این جنایات بین‌المللی، خلأهای ناشی از عدم الحاق به اساسنامه دیوان را پر نموده و زمینه تعقیب و مجازات عاملان انتشار یا انتقال ویروس کرونا به عنوان اقدام بیوترویستی را فراهم نمایند، اما بسیاری از دولت‌ها نه تنها به اساسنامه دیوان، ملحق نشده‌اند، بلکه در نظام کیفری داخلی آن‌ها نیز ظرفیت قانونی لازم برای تعقیب مرتکبان این جنایات وجود ندارد. در میان دولت‌هایی که تاکنون به اساسنامه دیوان ملحق نشده‌اند نظام کیفری دولت ایران چنین وضعیتی دارد، به طوری که اداره حقوقی قوه قضاییه در یکی از نظریه‌های مشورتی (در پاسخ به این سؤال که بر فرض حمله بیولوژیکی بودن ویروس کرونا نوع مسئولیت دولتی که اقدام به این امر کرده است از چه نوعی

اگرچه این ماده به طور خاص به جرم‌انگاری بیوتروریسم نپرداخته است، اما ضمن جرم‌انگاری بزه افساد فی‌الارض، عبارتهای «مواد میکروبی» و «مواد خطرناک» را ذکر کرده که می‌توان برای مقابله کیفری با بیوتروریسم از آن بهره برد. عبارت «مواد میکروبی»، دربرگیرنده ویروس‌ها و باکتری‌هاست و عبارت «مواد خطرناک» هر عامل بیولوژیکی که زیر مجموعه عوامل سمی و باکتری جای نمی‌گیرند را دربر می‌گیرد، مانند میکروارگانسیم‌ها و مواردی که بر روی DNA تأثیر می‌گذارند (۱).

در خصوص امکان بهره‌گیری از ماده قانونی فوق برای مجازات کیفری انتشار و انتقال ویروس کرونا باید گفت: همانطور که مشاهده می‌شود: ماده ۲۸۶ از نظر رفتاری تنها «پخش» مواد سمی و میکروبی را جرم‌انگاری کرده و در مورد تولید، تکثیر و انتقال (به عنوان سایر رفتارهای مادی بیوتروریسم)، سکوت نموده است. بنابراین با فرض آنکه ویروس کرونا یک عامل بیوتروریستی باشد، با این ماده، تنها می‌توان عوامل پخش یا منتشرکننده آن را تعقیب و مجازات نمود، در نتیجه افرادی که مبادرت به انتقال این ویروس به یک یا چند نفر محدود می‌نمایند، رفتار مادی آن‌ها با جرم بیوتروریسم منطبق نمی‌باشد.

اگرچه بر اساس این ماده، پخش یا انتشار ویروس کرونا می‌تواند یکی از مصادیق رفتارهای مادی بیوتروریسم باشد، با این حال این ماده، در این خصوص محدودیت‌هایی نیز دارد، یعنی صرف پخش یا انتشار ویروس را مصداق بیوتروریسم نمی‌داند، بلکه این اقدام باید «به طور گسترده» باشد که این عبارت، خود دارای ابهام است، یعنی مشخص نیست بر چه اساسی می‌توان به تعیین و شناخت مرزهای گسترده و وسیع با انتشار محدود پرداخت (۱۸).

علاوه بر محدودیت در عنصر مادی، این ماده از جهت عنصر معنوی انتشاردهندگان ویروس کرونا نیز قیودی دارد، زیرا این جرم مقید بوده و نیازمند سوءنیت خاص است. این امر به دلالت التزامی از تبصره ماده نیز دریافت می‌شود که بر اساس آن برای محکوم‌کردن فرد به جرم موضوع ماده ۲۸۶ قانون

اجنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، جنایات جنگی یا عنوان دیگر [می‌باشد؟]، بیان داشته است: «در خصوص عناصر تشکیل‌دهنده جنایت علیه بشر، نسل‌کشی و جنایت جنگی مقرراتی که رسماً منتشر شده و تبیین‌کننده این جرائم باشد، در قوانین فعلی ایران وجود ندارد» (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۸۸، مورخ ۱۳۹۹/۶/۳۰).

**۲-۲. نظام کیفری ایران:** در راستای بررسی مسئولیت کیفری ناشی از انتشار و انتقال ویروس کرونا در این قسمت ابتدا رویکرد نظام کیفری ایران به انتشار و انتقال ویروس کرونا به عنوان بیوتروریسم تبیین می‌شود و پس از آن، رویکرد نظام کیفری ایران به انتشار و انتقال ویروس کرونا به عنوان جرائم علیه اشخاص، بررسی خواهد شد.

**۲-۲-۱. امکان‌سنجی تعقیب و مجازات انتشار و انتقال کرونا به عنوان بیوتروریسم:** در خصوص مسئولیت کیفری ناشی از انتشار و انتقال ویروس کرونا در نظام کیفری ایران، نخستین سؤالی که مطرح می‌شود، آن است آیا می‌توان بر اساس قوانین فعلی، انتشاردهندگان یا انتقال‌دهندگان عمدی ویروس کرونا را به عنوان مرتکبان جرائم بیوتروریستی، مجازات نمود؟ به عبارت دیگر، آیا قوانین جزایی ایران، چنین قابلیت را دارد؟

به منظور پاسخ به این سؤال در درجه نخست باید، به مهم‌ترین قواعدی که مفاد آن‌ها با بیوتروریسم مرتبط دانسته شده است، مراجعه نمود. نخستین ماده قانونی مرتبط در این زمینه، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ ش.) است که بیان می‌دارد: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»



مجازات اسلامی، وجود قصد اخلاص گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده، ضروری است، حال آنکه اثبات قصد در این موارد تا حد زیادی دشوار است.

دومین ماده قانونی که برخی نویسندگان آن را برای مقابله با بیوترونیسم مناسب دانسته‌اند، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵ ش.) می‌باشد. این ماده بیان می‌دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، ... ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.» تبصره ۲ این ماده بیان می‌دارد: «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.»

همانطور که مشاهده می‌شود، این ماده، هر اقدامی را که تهدید علیه بهداشت عمومی به شمار آید، از جمله انتشار ویروس از طریق هوا و آب را جرم‌انگاری نموده است. با توجه به اینکه انتشار ویروس کرونا از نظر سازمان بهداشت جهانی، تهدید علیه بهداشت عمومی به شمار می‌آید در بدو امر چنین به نظر می‌رسد از این ماده (در صورت وجود شرایط مقرر در تبصره آن) می‌توان برای مجازات عاملان انتشار ویروس کرونا بهره گرفت. این نظر زمانی تقویت می‌شود که بدانیم تبصره ۱ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵ ش.)، تشخیص اقداماتی که تهدید علیه بهداشت عمومی محسوب می‌شوند را به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار نموده است و این وزارتخانه در مقرره‌های مختلف، اقداماتی را که موجب انتشار یا انتقال ویروس کرونا شوند، تهدید علیه بهداشت عمومی، به شمار آورده است.

با این حال به نظر می‌رسد بر اساس این ماده نتوان، عاملان انتشار ویروس کرونا را به عنوان مرتکبان بیوترونیسم تعقیب و

مجازات نمود، زیرا در این ماده، مقنن از اهداف و انگیزه خاص بیوترونیسم که همان اخلاص شدید در نظم عمومی است، سخن نگفته است. در واقع این ماده تنها به ذکر برخی از عناصر مادی بیوترونیسم پرداخته است و در اصل یک جرم زیست محیطی محسوب می‌شود (۱۹). بنابراین فقدان نگاه افتراقی به موضوع بیوترونیسم و عدم توجه به سوءنیت خاص مرتکبان، ضعف‌های مهمی هستند که نمی‌توان به این ماده به عنوان یک مستند قانونی درباره جرم بیوترونیسم اتکا نمود (۲۰). علاوه بر این در نظام قضایی ایران در بسیاری از آرای صادره، اقداماتی که به طور گسترده موجب انتشار ویروس کرونا شده و با این ماده منطبق بوده‌اند، صرفاً «تهدید علیه بهداشت عمومی» به شمار آمده است و نه اقدام بیوترونیستی (قرار نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۴۱۴۱۸۰۱۰۵۱، مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۲ شعبه نهم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۶ تهران؛ قرار نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۲۱۲۱۱۰۰۸۰۹، مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۷ شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۶ تهران، رأی شماره ۹۹۰۳۷۸۵۱۲۱۲۱۱۴۰۱، مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ دادگاه کیفری دو دادگستری شهرستان محمودآباد مازندران).

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت: در نظام حقوقی ایران قواعد کافی برای مجازات انتشار و انتقال ویروس کرونا به عنوان یک اقدام بیوترونیستی وجود ندارد، به طوری که در پرتوی قوانین موجود به سختی می‌توان عاملان انتشار یا انتقال عمدی ویروس کرونا را به عنوان مرتکبان بیوترونیسم، تعقیب و مجازات نمود، البته این نارسایی تا حد زیادی به نقص نظام تقنینی ایران در زمینه بیوترونیسم بازمی‌گردد، زیرا با وجود آنکه اقدامات بیوترونیستی، به عنوان یکی از مصادیق تروریسم به شمار می‌آید و در نظام حقوقی ایران همانند بیشتر نظام‌های حقوقی عمدتاً در ذیل جرائم علیه امنیت، طبقه‌بندی می‌شود (۱۹)، اما در قوانین، پاسخ کیفری مستقل و کافی برای «بیوترونیسم» به عنوان مصداقی از جرائم علیه امنیت، پیش‌بینی نشده است، در نتیجه ظرفیت قانونی موجود برای مبارزه با همه انواع بیوترونیسم‌ها وجود ندارد. به همین جهت، در مواردی که بر اساس قواعد کیفری مرتبط با جرائم

شده است، چنانچه پس از مداوای پزشکی فوت نکند، رفتار مرتکب، اقدام به قتل خواهد بود (۲۱).

برخی از حقوقدانان نیز بر این باورند در نظام حقوقی ایران، اقدام عمدی انتقال‌دهنده بیماری مسری کشنده (در مواردی که منتهی به مرگ نشود) را می‌توان بر اساس مواد قانونی مربوط به شروع جرم (مواد ۱۲۲ تا ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش.)، مصداق شروع به قتل عمدی دانست (۲۲). از نظر این گروه، اقدام شخصی که می‌داند عملکرد ویروس (کشنده) به نحوی است که صدمات آن، مدتی بعد از ورود آلودگی به بدن روی می‌دهد و با قصد قتل، اقدام به انتقال عامل کشنده می‌نماید، شروع به ارتکاب قتل عمدی می‌باشد (۲۳).

با وجود این، پذیرش این نظر در مورد انتقال ویروس کرونا، تا حدی دشوار است، زیرا شروع به جرم قتل، ناظر به زمانی است که حصول نتیجه قطعی باشد، بدین معنی که اگر به واسطه عامل خارج از اراده مرتکب، قصدش معلق نمی‌ماند، وقوع جرم، قطعی می‌بود، حال آنکه ابتلای افراد به ویروس کرونا لزوماً در همه موارد، موجب مرگ آنان نمی‌شود، از جمله در مورد افرادی که سیستم ایمنی قوی دارند و یا فردی که اخیراً وضعیت حاد جسمانی ناشی از ابتلای به ویروس کرونا را پشت سر گذاشته است که حداقل با توجه به تحقیقات به عمل آمده، امکان ابتلای مجدد وی تا چند ماه وجود ندارد (۸). در واقع از نظر عنصر مادی، مرگ یا آسیب بدنی قربانی باید اجتناب‌ناپذیر یا نتیجه اقدامات مرتکب بسیار محتمل باشد تا در صورت ایجاد مانع خارجی برای ارتکاب، مصداق شروع به جرم باشد (۲۱).

به نظر می‌رسد در این موارد بتوان شخص را با استناد به ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ (با عنوان اقدام تهدیدآمیز علیه بهداشت عمومی) و یا ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار، مصوب ۱۳۲۰ (که اشخاص مانع اجرای مقررات بهداشتی و نقض‌کننده دستورهای بهداشتی رسمی را مستحق کیفر می‌داند)، تعقیب و مجازات نمود. صرف نظر از اینکه وزارت

علیه امنیت (مانند ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش.)، نتوان مرتکبان اقدامات بیوتورویستی انتشار یا انتقال ویروس کرونا را تعقیب و مجازات نمود، باید با مراجعه به قواعد کیفری حاکم بر جرائم علیه اشخاص، به جستجوی ضمانت اجرای کیفری پرداخت.

**۲-۲-۲. رویکرد نظام کیفری ایران به انتشار و انتقال ویروس کرونا به عنوان جرائم علیه اشخاص:** با توجه به آنکه اقدامات بیوتورویستی در بیشتر موارد موجب ورود صدمات جسمانی (مستقیم یا غیر مستقیم) به اشخاص است، این سؤال مطرح می‌شود در صورتی که به دلیل نارسایی‌هایی قانونی، نتوان مرتکب انتشار یا انتقال ویروس کرونا را به عنوان مرتکب بیوتورویسم، تعقیب نمود، رفتار وی با کدام یک از عناوین مجرمانه مرتبط با جرائم علیه اشخاص، منطبق خواهد بود؟

در راستای پاسخ به این سؤال، در این قسمت به بیان مهم‌ترین فرض انتشار یا انتقال ویروس کرونا و قواعد کیفری حاکم بر هر یک پرداخته می‌شود.

نخستین فرض در این خصوص، انتشار یا انتقال عمدی ویروس است، چنانچه عمل انتقال ویروس از انسان به انسان دیگر، از روی اراده و اختیار و به منظور تحقق نتیجه‌ای چون جان سپردن شخص یا اشخاص معین باشد، دو حالت متصور است: حالت اول، آن است که منتقل‌الیه فوت ننماید، یعنی با وجود آنکه ویروس به قربانی منتقل شده است، اما به دلایلی چون مراقبت‌های پزشکی، انتقال ویروس به مرگ وی منتهی نشود (۹).

از نظر برخی نویسندگان، در نظام حقوق کیفری ایران، با توجه به فقدان جرم‌انگاری خاص، انتقال ویروس کرونا همانند صرف انتقال ویروس ایدز، چنانچه موجب مرگ منتقل‌الیه نشود، فاقد وصف کیفری است. بنابراین شخصی که بیماری را به دیگری منتقل کند به صرف انجام این عمل، مجازات نخواهد شد. با این حال در برخی از نظام‌های حقوقی، این موضوع را مصداق اقدام به قتل می‌دانند. به عنوان مثال، در نظام حقوقی ترکیه، کسی که ویروس کرونا به طور عمدی به وی منتقل

بهداشت نیز در یکی از بخشنامه‌های صادره این فرض را حسب مورد مشمول دو ماده قانونی فوق دانسته است (بخشنامه شماره ۱۰۷/۵۴۲/د، مورخ ۱۳۹۹/۲/۸ اداره کل حقوقی و تنظیم مقررات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، بیشتر قضات نیز این موضوع را مشمول ماده ۲۲ قانون اخیر دانسته‌اند (صورتجلسه نشست قضایی شهرستان بندرعباس، مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۷).

در بیشتر نظام‌های حقوقی نیز در این فرض، رفتار مرتکب، مصداق شروع به قتل به شمار نمی‌آید، بلکه برای آن مجازات خاصی در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، قانون مجازات پادشاهی نروژ (۲۰۰۵ م.)، برای هر شخصی که شخص دیگری را به یک بیماری واگیردار خطرناک برای سلامت عمومی، مبتلا نماید یا در معرض خطر ابتلا به چنین بیماری مسری قرار دهد، مجازات جزای نقدی یا حبس تا سه سال را تعیین نموده است. قوانین مجازات دانمارک (۱۹۹۴ م.) و فنلاند (۱۹۶۳ م.) نیز در این فرض، مجازات‌های نسبتاً مشابهی دارند (۲۴).

حالت دوم از انتشار یا انتقال عمدی، زمانی است که منتقل‌الیه فوت نماید. در بیشتر نظام‌های حقوقی این اقدام، مصداق قتل عمد و مستوجب مجازات سنگین است. به عنوان مثال، در نظام قضایی کانادا انتشار آگاهانه ویروس کرونا در صورتی که نشان‌دهنده بی‌اعتنایی عمدی یا بی‌پروایی نسبت به جان یا امنیت افراد دیگر باشد و موجب مرگ اشخاص شود، رفتار وی طبق قانون مجازات کانادا (۱۹۸۵ م.)، مصداق قتل عمد بوده و مجازات وی حبس ابد، خواهد بود (۲۵). در قانون مجازات نروژ (۲۰۰۵ م.)، برای هر شخصی که به قصد آسیب‌رساندن به زندگی یا سلامت فرد دیگری اقدام به انتشار یا انتقال عمدی ویروس نماید، جرم را از مصادیق «جرم فاحش» دانسته و این مورد می‌تواند حداکثر هجده سال حبس و یا مستوجب حبس ابد باشد (۲۴). همچنین در نظام حقوقی ترکیه، اگر قصد مرتکب، کشتن قربانی باشد، زمانی که او کووید ۱۹ را منتقل می‌کند، جرم وی به عنوان قتل عمدی تعریف می‌شود (۲۱).

از نظر بیشتر حقوقدانان، در نظام حقوقی ایران در این فرض، جنایت، عمدی و مشمول بند «الف» ماده ۲۹۰ قانون مجازات

اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ ش.) خواهد بود. در این صورت، تفاوتی نخواهد داشت که ویروس منتقل‌شده برای برخی بندرت کشنده باشد، یعنی منتقل‌الیه شخصی نوجوان و فاقد بیماری مزمن باشد یا کهنسال و دچار بیماری زمینه‌ای، زیرا قصد وی، صرف نظر از وضعیت مجنی‌علیه برای انتساب رفتار مجرمانه عمدی کفایت می‌کند (۲۶). این رویکرد در نظام حقوقی برخی کشورهای دیگر نیز پذیرفته شده است. به عنوان مثال در نظام حقوقی ترکیه، همین که مرتکب قبلاً با اعمال و گفتار خود قصد قتل را مطرح کرده باشد، ارتکاب رفتار موجب انتقال ویروس کشنده از سوی وی و مرگ منتقل‌الیه، مصداق قتل عمدی به شمار می‌آید و این مسأله که قربانی از بیماری دیگری رنج می‌برده یا نه تأثیری در عنوان مجرمانه وی نخواهد داشت (۲۱). در نظام حقوقی مجارستان نیز این رویکرد بر اساس قانون جزایی (Act C of 2012 on the Criminal Code) (۲۰۱۲ م.) پذیرفته شده است (۸).

در مواردی که مخاطب شخص مرتکب، فرد یا جمع معین یا نامعینی باشد نیز همین حکم جاری است. به عنوان مثال، وی با قصد آلوده‌نمودن و مرگ هر شخصی، اقدام به آلوده‌سازی اشیا و وسایل در جای مشخصی نماید که در معرض استفاده معمول آنان است (۲۷). در نظام قضایی ایران، بیشتر قضات نیز با این نظر موافق هستند، به طوری که در خصوص مسئولیت کیفری شخصی که با اطلاع از ابتلای خود به کرونا، بدون رعایت اصول بهداشتی در اماکن عمومی سربسته (از جمله ادارات دولتی)، حاضر می‌شود، بیان داشته‌اند: اگر انتقال بیماری موجب مرگ یا آسیب بر عضو و منفعت منتقل‌الیه شود، چنانچه انتقال‌دهنده به صورت عمدی، بیماری را انتقال داده باشد، مشمول جنایت عمدی بوده و مجازات قانونی بر وی قابل اعمال است (صورتجلسه نشست قضایی شهرستان گنجان، مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۰). اداره حقوقی قوه قضاییه نیز موافق با این نظر در یکی از نظریه‌های مشورتی بیان داشته است: «مستفاد از مواد ۲۹۰، ۲۹۱ و ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ ش.) هر کسی عالماً و عامداً دیگری را به بیماری خطرناک، از جمله کرونا (کووید-۱۹) مبتلا کند، این جنایت عمدی است و حسب نتیجه ممکن است محکوم به قصاص (در

فوت گردد، موضوع، مصداق قاعده اقدام و خودکشی نبوده و فرد ناقل همچنان متهم به جنایت عمد است (۲۸).

در راستای تأیید نظر اخیر می‌توان گفت: به نظر می‌رسد در این فرض می‌توان موضوع اجتماع سبب و مباشر را مطرح نمود، یعنی شخص ناقل، مباشر عمل بوده و مجنی‌علیه، سبب محسوب می‌شود، در نتیجه در اجتماع سبب و مباشر، مباشر دارای مسئولیت کیفری است. علاوه بر این، اصل بر آن است رضایت مجنی‌علیه به ارتکاب افعالی که به حیات، سلامت و تمامیت جسمانی وی آسیب می‌رساند، تأثیری نداشته و در واقع، تأثیر رضایت وی تنها به طور استثنایی در صورت فقدان منع شرعی و مبتنی بر اجازه قانون است که از اسباب اباحه تلقی می‌شود (۲۶)، حال آنکه در فرض فوق، اجازه شرعی و قانونی وجود ندارد.

فرض دوم، یکی از فروض شایع در خصوص انتقال ویروس کرونا، زمانی است که انتقال‌دهنده، قصد کشتن منتقل‌الیه را ندارد، اما آگاه است که اقدام عمدی وی به دلیل وضعیت جسمانی خاص منتقل‌الیه، نوعاً سبب مرگ می‌شود. این مسأله در مورد وضعیت جسمانی افراد در معرض خطر ابتلا به کرونا اهمیت فراوانی دارد، زیرا از نظر متخصصان پزشکی، ضریب خطر بیماری کرونا برای افراد مسن یا دچار بیماری‌هایی چون سرطان، دیابت، بیماری‌های حاد تنفسی، نارسایی قلبی و اختلال‌های عروقی به مراتب بیشتر از دیگران است و این افراد در اثر ابتلا به کرونا ممکن است دچار علائم شدید تنفسی و مرگ شوند. علاوه بر این، میزان کشندگی این ویروس در افراد بالای ۶۰ سال به ویژه افراد دارای بیماری‌های فوق، بیشتر از سایر افراد است (۲۹).

حال شخصی با آگاهی از این موضوع و نیز اطلاع از ابتلا خود به ویروس کرونا، به منظور عیادت به خانه سالمندان مراجعه می‌کند و بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی با آنان ساعت‌ها همنشین شود و در تماس نزدیک قرار گیرد.

از نظر برخی نویسندگان، این فرض با بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش.) منطبق می‌باشد که مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر

صورت مرگ طرف به این علت) یا دیه یا ارش شود و تعیین ارش با توجه به نظر پزشکان متخصص خواهد بود» (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۸۵، مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵).

در موارد فوق، وجود فاصله زمانی میان انتقال ویروس کرونا تا فوت منتقل‌الیه (که می‌تواند تا ۱۴ روز نیز باشد)، اگرچه ممکن است اثبات رابطه علیت را تا حدی دشوار نماید، در مسئولیت کیفری مرتکب، تأثیری ندارد، همچنانکه ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ ش.) می‌دارد: «وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است.»

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است، چنانچه منتقل‌الیه با علم به انتشار گسترده ویروس کرونا در یک مکان مشخص یا ابتلای انتقال‌دهنده به ویروس کرونا، با رفتار خودش، در انتقال ویروس به خود، نقش داشته باشد، آیا مسئولیت کیفری انتقال‌دهنده با عنوان قتل عمد، همچنان باقی است؟

در پاسخ به این سؤال، یک نظر می‌تواند این باشد که در این فرض، شخص انتقال‌گیرنده با علم و اطلاع، مبادرت به این عمل نموده است، در نتیجه به زیان خود اقدام کرده است، در نتیجه بر اساس «قاعده اقدام»، مسئولیتی را نباید متوجه انتقال‌دهنده دانست. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در یکی از نظریه‌های مشورتی (در مورد انتقال ویروس کرونا) این نظر را پذیرفته و ادغان نموده است: چنانچه زیان‌دیده به لحاظ علم به وجود خطر، مرتکب رفتار توأم با تقصیر شود، قاعده اقدام بر رابطه میان زیان‌دیده و واردکننده زیان، حاکم خواهد بود (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۸۵، مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵).

با این حال، از نظر برخی از حقوقدانان، مسئولیت کیفری سرایت‌دهنده عالم و عامد، تحت‌الشعاع آگاهی مجنی‌علیه نسبت به نیت و وضعیت وی قرار نمی‌گیرد و زائل نمی‌شود. بدین ترتیب اگر بزه‌دیده به رغم چنین معرفتی، به عنوان مثال، تن به رابطه جسمی یا جنسی با بیمار برخوردار از سوءنیت، داده و در اثنای آن، ویروس موصوف از طریق ارتباط تنفسی و ملامسه و یا آمیزش به وی منتقل شود و موجب

آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد» (۳۰). بنابراین رفتار چنین فردی مصداق قتل عمد به شمار می‌آید، زیرا در این موارد آنچه به عنوان عاملی پویا و برقرارکننده رابطه علیت مؤثر قابل شناسایی است، رفتار انتقال‌دهنده و نه وضعیت قربانی به عنوان سبب ایستا می‌باشد. بنابراین شخصی که مبتلا به ویروس کرونا است بداند این ویروس نسبت به برخی افراد مانند بیماران دیابتی، کشنده است و با وجود این، آن را به این افراد منتقل نماید، مانند شخصی است که خواستار نتیجه مجرمانه از عمل خویش است، در نتیجه جنایت وی، عمدی محسوب می‌شود (۳۱) و در صورت اثبات علم وی به این موضوع، موضوع مصداق قتل عمدی خواهد بود.

مسئله آگاهی در این فرض، نقش تعیین‌کننده دارد. بنابراین اگر مرتکب این حقیقت که اقدام وی، موجب مرگ منتقل‌الیه می‌شود را نداند، دیگر مسئولیتی در قبال نتایج ناشی از اقدام خود نخواهد داشت (۲۱).

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز موافق با این نظر بیان داشته است: «در صورت علم مرتکب (انتقال‌دهنده ویروس) به وجود بیماری‌های زمینه‌ای در دیگری که زمینه فوت در اثر ویروس کرونا را تشدید می‌کند، اقدامات مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده می‌تواند مصداق بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون پیش‌گفته باشد (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۸۵، مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵).

البته در مورد این فرض، نظر دیگری نیز وجود دارد، برخی نویسندگان، بیان داشته‌اند: در این موارد اگر فوت بزه‌دیده، محصول اجتماع عرضی کرونا و عامل دیگر مانند بیماری سرطان باشد، شرکت در جنایت شکل گرفته است و اولیای دم پس از پرداخت نیمی از دیه به سرایت‌دهنده، می‌توانند وی را قصاص نمایند (۲۷).

با وجود این، پذیرش این نظر دشوار است، زیرا صرف نظر از اینکه در موارد فوق، این عوامل، عمدتاً در طول یکدیگر قرار می‌گیرند، اثبات اجتماع عرضی اسباب جنایت، با دشواری‌های فراوانی همراه است. بنابراین در این موارد، باید اقدام انتقال‌دهنده را به عنوان سبب اصلی و مقدم در تأثیر دانست.

فرض سوم، ناظر به زمانی است که مرتکب، فاقد عمد است و تقصیر یا قصور وی، موجب انتقال ویروس کرونا به دیگری شود، مانند آنکه خدمتکار یک بیمارستان در انجام وظیفه خود مبنی بر ضد عفونی کردن اتاق بیمار فوت‌شده کرونایی، کوتاهی نماید و آلوده‌بودن فضای اتاق، موجب ابتلا و مرگ بیمار دیگری که چند ساعت بعد در آن بستری شده است، شود. همچنین است زمانی که یک شخص با وجود آزمایش کووید-۱۹ مثبت یا داشتن علائم کووید ۱۹ خانه خود را ترک کرده و از دیگران بازدید نماید و یا در مناطق عمومی حضور یافته یا از خدمات عمومی استفاده کند، در این صورت با توجه به سهولت انتشار، احتمال اینکه فرد آلوده، آن را به افراد دیگر منتقل کند بسیار زیاد است؛ در این موارد، فرد مبتلا که با علم یا شک به ابتلا به کووید-۱۹ از خانه خارج می‌شود، وظیفه جلوگیری از انتقال آن را زیر پا گذاشته است (۳۲).

در این خصوص برخی استدلال نموده‌اند: افراد دارای حقوق اولیه‌ای چون حق آزادی رفت و آمد، حق شرکت در اجتماع و حق سفر هستند، در واقع به تعبیر Hoffeldy، آن‌ها دارای «حق امتیاز (Privilege)» هستند، در نتیجه این اقدامات نباید مصداق قصور تلقی و برای آنان موجب مسئولیت کیفری باشد (۳۲). این گروه، هم نظر با کسانی هستند که قائل به اولویت بخشیدن به فرد صاحب حق و مقدم‌دانستن آن نسبت به جامعه بوده و قضات را مکلف می‌دانند حقاها را نسبت به منافع عمومی، دارای ارزش بیشتری بدانند و بر منافع جمعی ترجیح دهند (۳۳).

با این حال این نظر قابل انتقاد است، زیرا صرف نظر از اینکه از نظر بسیاری از اندیشمندان، حقوق افراد تابع ملاحظات مربوط به مصلحت عمومی است و در تعارض حقاها و منافع جمعی، اولویت با منافع جمعی می‌باشد، رویکرد غالب فعلی (از جمله رویکرد قوانین اساسی بسیاری از کشورها و نیز دادگاه اروپایی

حقوق بشر)، برقراری تعادل و توازن میان حقوق فردی و منافع جمعی است؛ حال آنکه، نظریه فوق، مغایر آن است و تبعیت صرف از آن به گسترش مرگ و میرهای ناشی از انتقال بیماری، دامن می‌زند و فجایع انسانی را به دنبال دارد.

نظام‌های کیفری نیز عمدتاً تقصیر یا قصوری را که موجب انتقال بیماری و واگیردار کشنده شود، موجب مسئولیت کیفری مرتکب دانسته‌اند. به عنوان مثال در نظام قضایی آمریکا تاکنون در پرونده‌های متعدد، دعاوی مربوط به انتقال سهل‌انگاران بیماری‌ها پذیرفته شده و به افرادی که به دیگران آسیب رسانده‌اند، مسئولیت کیفری تحمیل شده است. یکی از پرونده‌های معروف در این زمینه، پرونده «John B» علیه دادگاه عالی» بوده است که در آن، دادگاه عالی کالیفرنیا در رأی خود بیان داشته است: تحقق جرم انتقال سهل‌انگاران HIV، لزوماً به دانش واقعی در مورد ابتلای به این عفونت بستگی ندارد، بلکه وجود شرایطی که دلالت بر اطلاع وی از این موضوع نماید، کفایت می‌کند، در نتیجه در صورتی که مرتکب در چنین وضعیتی بیماری را به دیگری منتقل نماید، دارای مسئولیت کیفری خواهد بود. در نظام حقوقی ترکیه نیز در صورتی که تخطی اشخاص از اقدامات احتیاطی (مانند استفاده اجباری از ماسک و دستکش، حفظ فاصله اجتماعی و قرنطینه)، موجب انتقال کووید-۱۹ به دیگران شود، مصداق سهل‌انگاری بوده و در صورتی که موجب جراحت یا فوت مجنی‌علیه شود، حسب مورد، مسئولیت کیفری برای صدمه بدنی عمدی یا قتل را به دنبال دارد (۲۱).

در نظام حقوقی ایران نیز موارد فوق بر اساس برخی مواد قانونی می‌تواند موجب تحقق مسئولیت کیفری شود، از جمله ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ ش.) که بیان می‌دارد: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض است، مانند اینکه ... پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.»

بنابراین این موارد که می‌تواند حسب مورد مصداق بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی (پروتکل‌های بهداشتی در مورد کرونا) باشد، مصداق قتل شبه‌عمدی بوده و بر اساس ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵ ش.) مسبب را می‌توان به حبس از یک تا سه سال و نیز پرداخت دیه در صورت مطالبه اولیای دم محکوم نمود (۲۶).

در نظام قضایی ایران، اگرچه در خصوص مسئولیت شخص حقوقی دولت و مقامات رسمی دولتی (از جهت قصور در مقابله با کرونا)، دیوان عدالت اداری در برخی آرای صادره، تمایل به عدم شناسایی چنین مسئولیتی برای دولت داشته است (رأی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۱۳۵۹، مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ هیأت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری)، اما از نظر بیشتر قضات محاکم دادگستری، اشخاصی که در اثر تقصیر و غفلت باعث انتشار یکی از بیماری‌های واگیردار مانند کرونا شوند (اعم از کادر درمان و غیر آن) بر اساس مواد ۴۹۵ تا ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ ش.) یا ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار (مصوب ۱۳۲۰ ش.) قابل تعقیب و مجازات هستند (صورتجلسه نشست‌های قضایی شهرستان‌های بندرعباس، مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۷؛ اردستان، مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۳ و اصفهان، مورخ ۱۳۹۹/۳/۱).

فرض چهارم، ناظر بر زمانی است که انتقال‌دهنده به کلی از ابتلای خود به ویروس کرونا بی‌اطلاع است. از نظر برخی از نویسندگان در فرضی که انتقال‌دهنده نسبت به بیماری خود بی‌اطلاع است و تماس جسمی یا ارتباط جنسی موجب مرگ منتقل‌الیه می‌شود نیز مصداق قتل شبه‌عمدی می‌باشد، زیرا در این فرض نیز مرتکب، قصد فعلی را دارد که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود و قصد جنایت بر مجنی‌علیه را ندارد، اما اتفاقاً عمل وی موجب جنایت شده است (۲۶).

با این حال به نظر می‌رسد انتساب رفتار مجرمانه به شخصی که اطلاعی از بیماری خود ندارد، به دلیل فقدان سوءنیت، دشوار باشد، در نتیجه در این موارد می‌توان صرفاً شخص را از باب مسئولیت مدنی، ملزم به جبران خسارت نمود. در واقع به

تعبیر برخی نویسندگان، برای احراز مسئولیت کیفری، از جنبه ذهنی، ضروری است که سوءرفتار عمدی یا سهل‌انگارانه باشد، بنابراین اگر مرتکب در صورت عدم وجود علائم و آزمایش از ابتلای خود به بیماری بی‌اطلاع باشد، طبیعتاً به دلیل بی‌گناهی نباید مجازات شود. این رویکرد در برخی نظام‌های حقوقی مانند کشور لهستان نیز پذیرفته شده است (۸).

در نظام حقوقی ایران، اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در یکی از نظریه‌های مشورتی (در ارتباط با انتقال ویروس کرونا)، بیان داشته است: «در فرضی که رفتار واردکننده زیان متضمن تقصیری نباشد که موجبات انتساب زیان به وی را فراهم کند، ضمان منتفی است» (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۸۵، مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵).

### نتیجه‌گیری

پدیده کرونا به عنوان مهم‌ترین نگرانی دهه اخیر جامعه جهانی، آثار نامطلوب فراوانی به همراه داشته است که مهم‌ترین آن تلفات انسانی در سطح وسیع بوده است. این مسأله موجب، پیدایش نظریه بیوتروریستی‌بودن و مباحث متعدد در زمینه مسئولیت کیفری عاملان انتشار یا انتقال آن شده است. با توجه به اهمیت این موضوع در عصر کنونی، پژوهش حاضر به بررسی و امکان‌سنجی تعقیب و مجازات عاملان انتشار یا انتقال ویروس کرونا از منظر نظام کیفری ایران و نظام کیفری بین‌المللی پرداخته است. بررسی‌های این مقاله دلالت بر آن دارد که ویروس کرونا قابلیت آن را دارد که به عنوان عامل بیولوژیکی مورد استفاده قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ارتکاب جنایات بین‌المللی استفاده شود. در این صورت از منظر نظام کیفری بین‌المللی، امکان تعقیب و مجازات مرتکب بر اساس شرایط مقرر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی وجود خواهد داشت. با این حال در صورت فقدان شرایط لازم برای تعقیب بین‌المللی مرتکب، باید به نظام‌های کیفری داخلی توسل جست. در برخی نظام‌های کیفری بر اساس قوانین، انتشار و انتقال عمدی ویروس کرونا می‌تواند مصداق بیوتروریسم باشد. با این حال در نظام کیفری

ایران به موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش.)، تنها انتشار کرونا (و نه انتقال)، آن هم در سطح گسترده و با سونیت خاص، می‌تواند مصداق بیوتروریسم باشد. این رویکرد قانونگذار که تعقیب و مجازات عاملان انتشار و انتقال ویروس‌های واگیردار کشنده را با محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی مواجه می‌نماید، قابل انتقاد می‌باشد. در واقع با وجود آنکه در ایران قوانین متعددی به تروریسم زیستی ارتباط دارند، اما ظرفیت قانونی موجود برای مبارزه با بیوتروریسم به هیچ وجه کافی نیست؛ به همین جهت، تدوین پیش‌نویس قانونی خاص مانند قانون مبارزه هماهنگ با بیوتروریسم، ضروری به نظر می‌رسد و این اقدام همسو با تعهدات بین‌المللی دولت ایران که عضو کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک می‌باشد، خواهد بود. با توجه به ضعف و نارسایی قوانین ایران در زمینه بیوتروریسم، انتشار و انتقال ویروس کرونا در ایران در حال حاضر صرفاً در قالب جرائم علیه اشخاص (حسب مورد قتل عمد، غیر عمد و ایراد صدمه بدنی غیر عمدی)، قابل مجازات است. با این حال در نظام کیفری ایران، در قوانین موجود برای تعقیب و مجازات عاملان انتقال و انتشار ویروس‌های واگیردار کشنده، خلأهای قانونی وجود دارد؛ به همین جهت باید در این زمینه، جرم‌انگاری لازم صورت گیرد، زیرا حتی اگر جرم‌انگاری نتواند به طور کلی مانع از انتشار یا انتقال ویروس‌هایی چون کرونا شود، اما می‌تواند میزان آن را کاهش دهد. در این راستا لازم است با بهره‌گیری از قوانین کشورهای پیش رو در زمینه مقابله با بیوتروریسم و تجارب به دست‌آمده در نظام قضایی این کشورها، در قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، مواد قانونی مستقلی به تعریف و بیان مصادیق بیوتروریسم، اختصاص یابد و به طور دقیق و تفصیلی فروض متعدد تولید، انتشار و انتقال ویروس‌های واگیردار کشنده را تبیین و جرم‌انگاری نماید.

### مشارکت نویسندگان

محمود ابراهیمی: تهیه متن مقاله و نگارش آن، جمع‌آوری مطالب و منابع.

محمدعلی طاهری بجد و علی چکهندی‌نژاد: نظارت بر نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای سینا خادم‌الحسینی و محسن ناظمی‌زاده، قضات محترم دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۶ تهران (مجتمع جرائم پزشکی) به واسطه بهره‌گیری از آرا و نظرات ایشان در تدوین و نگارش مقاله کنونی اعلام می‌دارند.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.



## References

1. Yekrangi M, Vahedi M. Strategies of Iranian and international criminal policy system in dealing with security threats of bioterrorism. *Journal of Strategic Studies*. 2019; 22(3): 159-184. [Persian]
2. Elyasa Y. Bioterrorism: The Development and its Regulations and its Regulations According to the International Law. *Lampung Journal of International Law (LaJIL)*. 2021; 3(1): 29-40.
3. Carus WS. *Bioterrorism and Biocrimes: The Illicit use of Biological Agents Since 1900*. Washington, D.C.: The Minerva Group, Inc; 2002.
4. The International Criminal Police Organization "Bioterrorism". 2021. Available at: <https://www.interpol.int/Crimes/Terrorism/Bioterrorism>.
5. Declercq W, Geairon Y, Bravo Navarro C, Quintart A, Vassiliou A. The Threat of Bioterrorism: A Global Security Challenge, European Army Interoperability Center. 2021. Available at: <https://www.finabel.org/the-threat-of-bioterrorism-a-global-security-challenge/>.
6. Zarghani H, Nasimi Z. Bioterrorism and the Threat of Railway Transport Infrastructure Elements. *Khorasan Razavi Law Enforcement Quarterly*. 2019; 11(45): 107-145. [Persian]
7. Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Bioterrorism, Types, motivations and ways to deal with it. Tehran: Expert Report of the Office of New Studies and Technologies; 2011. [Persian]
8. Ambrus I. The Covid-19 pandemic and Hungarian substantive criminal law. *Zeitschrift Fur Internationale Strafrechtsdogmatik*. 2021; 16(7-8): 462-471.
9. Darwish TT. Criminal Liability of Covid-19 Carriers (Lebanon). *BAU Journal-Health and Wellbeing*. 2021; 3(3).
10. Townsend-Drake A. Bioterrorism: Applying the Lens of Covid-19, Report 2021. No Place: Counter Terrorism Preparedness Network (CTPN); 2021.
11. Aramideh Khouy R, Hosseini Tehrani M, Zarali M, Maleki H, Moazeni B. The role of viruses in bioterrorism: A review with emphasis on coronaviruses. *NPWJM*. 2020; 8(26): 71-82. [Persian]
12. Ackerman G, Peterson H. Terrorism & Covid-19: Perspectives on Terrorism. *International law Journal*, 2020; 14(3): 59-73.
13. Law PK. Covid-19 Pandemic is a War Crime against Humanity. Wuhan: Cell Therapy Institute; 2021.
14. Ventura DDL, Perrone-Moises C, Martin-Chenut K. Pandemic and crimes against humanity: The "inhuman character" of health catastrophe management in Brazil. *Direito E Praxis*. 2021; 12(3): 2206-2257.
15. Taybi S, Habilian B. A Short Study in the Criminology of Bioterrorism. *Analytical News Site of Terrorism Studies*; 2017. [Persian]
16. Lu Phillips R, Abi-Falah L. Criminal Responsibility for the Covid-19 Pandemic in Syria. *Columbia Human Rights Law Review*. 2021; 52(2): 523-591.
17. Pandora Report: 12.20.2019. Bioterrorism. 2019. Available at: <https://www.pandorareport.org/tag/bioterrorism>.
18. Mousavi SAA, Masoud GH-H, Raei M. Analysis of the approach of the Iranian legal system towards bioterrorism with a brief look at the perspective of Islamic jurisprudence. *Quarterly Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*. 2019; 12(2): 151-168. [Persian]
19. Hajivand A, Safari F, Mirkamali AR. Environmental Terrorism in Iranian and French Law and Its Application to Similar Criminologies in Iran. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies*. 2018; 48(2): 423-445. [Persian]
20. Orsanji MM. Food bioterrorism and its place in international criminal law. Tehran: Proceedings of the Fourth International Conference on Agriculture, Natural Resources and Sustainable Environment; 2017. [Persian]
21. Tunç K. Criminal Responsibility Arising from Transmitting Covid-19 to Another Person. *Selçuk Law Review, Araştırma Makalesi*. 2021; 1541-1556.
22. Mir Mohammad Sadeghi H. *Criminal Law 1; Crimes against persons*. Tehran: Mizan Publications; 2017. p.24. [Persian]
23. Taghizadeh E, Taheri MA, Emamdadi AR. Transmission of the AIDS virus and the beginning of premeditated murder. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*. 2013; 1(2): 1-14.
24. Turanjanin V, Radulović D. Coronavirus (Covid-19) and Possibilities for Criminal Law Reaction in Europe: A Review. *Iran J Public Health*. 2020; 49(Suppl.1): 4-11.
25. Gardam M. Coronavirus: Can you be held criminally liable for spreading it? Here's what the law says. Canada: Global News; 2020.
26. Yazdani Azad F, Samavati Pirooz A. Jurisprudential study of the criminal responsibility of

the carrier of AIDS in murder; relying on transmission through sexual contact. *Medical Law Quarterly*. 2009; 3(10): 35-62. [Persian]

27. Sharifi M. Criminal liability for the transmission of coronavirus in the Iranian penal system; Emphasizing the risk to human life. *Quarterly Journal of Criminal Law Teachings*. 2016; 17(19): 161-188. [Persian]

28. Ardabili MA. *General Criminal Law*. Tehran: Mizan Publications; 2019; p.60. [Persian]

29. Nikolich-Zugich J, Knox KS, Tafich Rios C, Natt B, Bhattacharya D, Fain MJ. SARS-CoV-2 and COVID-19 in older adults: what we may expect regarding pathogenesis, immune responses and outcomes. *GeroScience, Official Journal of the American Aging Association (AGE)*. 2020; 42(2): 505-514.

30. Habibitabar M, Hajidehabadi A, Mostafapoor M. Criminal Liability of Transmitters of Covid-19 Virus for Murder", *Journal of Medical Law*. 2021; 11(56): 979-992. [Persian]

31. Mohammadi Jorkouyeh A. Responsibility for the transmission of infectious diseases and viruses. *Islamic Law Quarterly*. 2020; 17(64): 205-226. [Persian]

32. Simana SH. *Coronavirus Negligence: Liability for Covid-19 Transmission*. Cambridge: Harvard Law School, 2020.

33. Meyerson D. Why Courts Should Not Balance Rights against the Public Interest. *Melbourne University Law Review*. 2007; 31: 873-902.